

تصویر خانواده متعادل در قرآن و روایات

محمد پناهی^۱

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط استواری آن وجود روابط صحیح بین اعضاء خانواده است. در اهمیت نقش خانواده همین نکته بس که در پیشینه اغلب اشخاصی که در جامعه دچار انحطاط اخلاقی و باعث ایجاد انحراف در جامعه شده‌اند مشکلات خانوادگی کاملاً مشهود است. محققین علوم تربیتی با توجه به اهمیت نقش خانواده کوشیدند تا با ارائه راهکار جهت استحکام این نهاد کوچک از انحرافات اجتماعی جلوگیری کنند و تحصیل این مهم نیازمند آشنایی هر یک از اعضای خانواده با وظایف خویش است. با توجه به اهمیت نقش خانواده و با توجه به جامع بودن دین مقدس اسلام، این مهم نیز مورد توجه دین مبین اسلام بوده است و آموزه‌های مانند ایمان و فضیلت‌گرایی اعضای خانواده، توجه به اهداف ارزشمند، توجه به غریزه جنسی همسر، آشنایی کامل اعضاء با وظایف خود، پرهیز از افراط و تفریط، هدیه دادن جهت استحکام این نهاد بیان شده است که می‌توان با رعایت و بکار بردن این آموزه‌ها در زندگی، از ثمره آن که صفا و صمیمیت بین اعضا و استحکام خانواده و از بین رفتن انحرافات اجتماعی است بهره‌مند شد.

واژگان کلیدی: استحکام خانواده، ایمان، خانواده متعادل، محبت، هدیه.

۱. گروه جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی (ص) العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای بنیادی و سازنده اجتماعات بشری است و نقش بسزایی در رشد و تربیت افراد جامعه و توسعه و تقویت ارزش‌های والای انسانی دارد. آنچه در عصر حاضر ذهن اندیشمندان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول ساخته مسائل مربوط به خانواده است. خانواده به‌عنوان مهم‌ترین کانون بشری، عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه و ملت است و لذا سعادت هر جامعه‌ای منوط به نیک بختی خانواده‌های آن جامعه است. بنابراین، باید هر چه بیشتر در جهت نیل به سعادت‌مندی آن کوشید که دستیابی به این مهم تنها از طریق شناسایی کامل عوامل تحکیم بنیان خانواده امکان‌پذیر است. در این مقاله مهم‌ترین عوامل استحکام خانواده از منظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. انگیزه تحکیم روابط در خانواده

پایداری خانواده در طول تاریخ و در پهنه جغرافیای ملل، حاکی از انگیزه یا انگیزه‌هایی برای حفظ روابط و پیوند میان اعضای آن است. تحلیل این پیوند، در خانواده‌های مختلف با ساختارهای گوناگون، نمایانگر چند انگیزه محدود است. برخی روان‌شناسان معاصر، آدمی را دارای چند انگیزه اصلی و بنیادی می‌دانند. برخی دو غریزه «صیانت ذات و غریزه جنسی» را برمی‌شمارند. برخی «انگیزه اجتماعی» را نیز به آن دو می‌افزایند و برخی چهار غریزه «صیانت ذات، تغذیه، غریزه جنسی و میل اجتماعی» را جزء این انگیزه‌ها به حساب می‌آورند. برخی که «میل جنسی» را محور تصمیم‌گیری‌ها و تحرکات بشر می‌دانند، اعتقاد دارند که هدف اصلی تشکیل خانواده، شکل حقوقی و رسمی دادن به ارضای این غریزه است.

در پاسخ باید گفت: میل جنسی در تشکیل خانواده (ازدواج) انگیزه مؤثر و اصلی است؛ اما در روابط و پایداری آن نقش انگیزه را نخواهد داشت و اگر عوامل دیگر به کمک آن نیایند، به‌تنهایی عاملی کافی نخواهد بود؛ زیرا منظور از تحکیم روابط، تداوم آن تا پایان همزیستی است. درحالی‌که میل جنسی در طول زندگی شدت و

ضعف دارد و در دوران پیری اصولاً نقشی نخواهد داشت؛ ولی روابط در بسیاری از خانواده‌ها در این دوران قوی‌تر و پایدارتر است و برعکس در بسیاری از خانواده‌های جوان که میل جنسی شدیدتری حاکم است، به لحاظ آن‌که این میل در خارج از خانواده پاسخ داده می‌شود، سستی بیشتری مشاهده می‌شود. پس «میل جنسی» در تحکیم روابط اعضای خانواده، نقش انگیزشی نداشته، بلکه عامل تقویت‌کننده است و به طراوت محیط و بالا بردن آستانه تحمل کمک می‌کند؛ لذا نقش بسیار مهمی در خانواده دارد و همسران می‌توانند از آن برای یک زندگی پایدار کمک بگیرند. از میان انگیزه‌های متفاوت و فراوانی که برای برپایی خانواده و حفظ پیوند میان اعضا می‌توان برشمرد، چند عامل عمده به نظر می‌رسد:

۱-۱. فطرت

انسان برحسب فطرت، جمع طلب و به‌طور طبیعی از انزوا و تنهایی گریزان است. به همین لحاظ تا قبل از تشکیل خانواده، به خانواده‌ای که در آن متولدشده، وابستگی شدید دارد و در فرصت مناسب، خود تشکیل خانواده می‌دهد و به آن وفادار می‌ماند. هم‌چنین، تعلقات انسان به محیط و افرادی که با آن‌ها مانوس شده، به‌طور فطری انسان را پایبند می‌کند؛ گرچه به‌ظاهر امری اکتسابی به نظر می‌رسد، اما جذبه‌ای از درون است.

۱-۲. اخلاق

خلق، عبارت از «عادت، مروت، طبع و دین» است. غزالی نیز اخلاق را عبارت از «اصلاح و پیراستن قوای سه‌گانه تفکر، شهوت و غضب» می‌داند. وی معتقد است، اخلاق، هیئتی رسوخ یافته در نفس است که باعث می‌شود انسان با سهولت، آسانی و بدون تأمل و اندیشه رفتار نماید. این حالت، زمینه صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است. با رجوع به این دو تعریف و دیگر تعاریف اخلاق، مشخص می‌شود که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است؛ زیرا جز در محیط امن و سازنده خانواده، انسان هرگز قادر به کسب آگاهی،

کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نیست؛ بنابراین، انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن است. به‌طورکلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پابندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی و فساد است؛ حتی در میان خانواده‌هایی که چندان پایبند به احکام الهی نمی‌باشند. هم‌چنین بسیاری از سنت‌های پسندیده میان اقوام مختلف، جهت عمل به همین اخلاقیات است؛ بنابراین، یکی از راه‌های حفظ خانواده بها دادن به این سنت‌هاست.

۳-۱. شریعت

نقش ادیان و شرایع مختلف در سامان‌دهی و هدایت زندگی بشر، به‌خصوص در روابط اجتماعی، نقشی اساسی، قابل اعتماد و پایدار بوده است. شرایع آسمانی با تعیین ضوابط و آیین‌نامه‌های رفتاری، علاوه بر تصحیح روابط انسانی، بشر را مؤدب به آداب درست اجتماعی و خانوادگی کرده و از انسان غارنشین بی‌هویت، امت‌های بزرگ انبیای الهی را ساخته است. همهٔ ادیان الهی بدون استثنا، شامل احکام دقیقی برای تنظیم روابط خانواده‌اند. این احکام در شکل اصلی‌شان و به‌دوراز تحریف، به دلیل آن‌که بر اساس فطرت وضع گردیده‌اند، ضامن سلامت و صلح در خانواده‌اند. به همین دلیل، خانواده در میان اقوام مؤمن، استوارتر بوده و میزان طلاق در آن، بسیار کمتر از اقوام غیرمقیم است. بر این اساس، شریعت همواره به‌منزلهٔ یک معلم و مراقب در خانواده نقشی مؤثر را ایفا کرده است. در تمامی شرایع آسمانی، محبت و ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر، خوش رفتاری و خوش کلامی در خانواده، رعایت حقوق یکدیگر، رسیدگی به کودکان، احترام به بزرگان و حمایت از بیماران، عبادت محسوب می‌شود و امری مقدس است.

مؤمنین به انگیزهٔ اطاعت از حق و جلب رضای خدا، سعی در کنترل رفتار خویش و صبوری در برابر ناملازمات زندگی دارند. البته این اطاعت، هم از سوی زن و هم از سوی مرد، پسندیده است؛ در غیر این صورت، یک‌سویه بودن آن، بنای ظلم در خانواده خواهد بود. این انگیزه (شریعت) تاکنون قوی‌ترین انگیزه در تحکیم روابط

خانواده بوده است. تعالی معرفت دینی و مؤدب شدن به آداب الهی، با پایداری خانواده نسبتی مستقیم دارد. چنانچه دولت‌ها با کمک مراجع دینی، سطح آگاهی و پابندی خانواده‌ها را به تقیدات دینی بالا ببرند، به‌طور قطع از میزان اختلافات کاسته و بنای خانواده استوارتر خواهد شد. اکنون برخی از جوامع غربی که فروپاشی خانواده را بزرگ‌ترین معضل اجتماعی اعلام کرده‌اند، برای بازسازی خانواده دست به دامن کلیسا و دعوت جوانان به مذهب شده‌اند.

علاوه بر سه انگیزه فوق، عواملی چون تأمین اقتصادی، کسب حیثیت اجتماعی، ادامه نسل و حفظ هویت نیز می‌توانند در شمار انگیزه‌های تحکیم روابط شمرده شوند؛ ولیکن به‌طور معمول کارکرد خانواده محسوب می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۲. ویژگی‌های خانواده سالم و متعادل

تعاریف مختلف و مصادیق گوناگون از خانواده متعادل ارائه شده است از جمله اینکه در خانواده متعادل زن و مرد از بینش تکامل و تحولی برخوردارند که فرد را برمی‌انگیزد تا دیدگاهی ثابت و غیرقابل تغییر نسبت به زندگی و همسر خود اتخاذ نکند. بینش تکاپویی فرد نسبت به همسر او را وامی‌دارد تا به‌رغم ضعف‌ها و ناپختگی‌ها از ناحیه همسر شخصیت وی را همچنان با ارزش تلقی کند و شخصیت انسان را پدیده‌ای رو به رشد و قابل توسعه در نظر آورد که پیوسته فرصت‌هایی برای شکوفایی آن وجود دارد و همسر وی نیز از این قاعده مستثنا نیست (شرفی، ۱۳۷۲، ص ۵۶). عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سالم و متعادل بودن آن مؤثرند که در ذیل، به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است:

۱-۲. ایمان و فضیلت‌گرایی اعضای خانواده

در قرآن توصیه‌های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان‌که می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ

رَقِيبًا» (نساء، ۱).

ای مردم! از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شمارا از یک انسان آفرید و همسر او را از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید از قطع رابطه با خویشان خود بپرهیزید، زیرا خداوند مراقب شماست.

همچنین خداوند در سوره بقره، شرط ازدواج با مشرکان را ایمان آن‌ها دانسته است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ» (بقره، ۲۲۱).

و با زنان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید، کنیز باایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است، هرچند (مال و زیبایی او) شمارا به شگفتی آورد؛ و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست درنیاورید تا ایمان نیاورده‌اند، یک غلام باایمان از یک مرد آزاد بت پرست بهتر است هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شمارا به شگفتی آورد. استدلال قرآن در آیه چنین است که گرچه مشرکان به دلیل آزاد و زیبا بودن، برتری ظاهری دارند، اما چون زناشویی با آنان باعث لغزش‌های اخلاقی و عقیدتی فرد مسلمان می‌شود، کنیزان و بردگان مسلمان بر آنان ترجیح دارند. این امر برای جوانان که گاه سخت شیفته و شیدای جمال و زیبایی ظاهری یا موقعیت مادی و اجتماعی - طرف مقابل - می‌شوند و ارزش‌های دینی و معنوی را فدای آن می‌سازند، هشدار و رهنمون مناسبی است. گفتنی است بسیاری از ازدواج‌هایی که بر اساس زیبایی‌های ظاهری شکل گرفته، بعدها از هم فروپاشیده است (بهجت پور و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۴۸).

۲-۲. توجه به اهداف ارزشمند

زوجین باید هدف‌های مهم و ارزشمندی را در نظر گرفته و دنبال کنند و هدفشان تعالی و تکامل روح و جسم باشد. زوجین نباید هرگز از هدف‌های متعالی نظیر مطالعات رسمی و غیررسمی، تربیت فرزندان برومند و مشغولیت‌های مفید به‌گونه‌ای که به انسان احساس ارزشمندی بدهد غافل شوند؛ هر انسان درعین حال که به رشد

خودش فکر می‌کند باید از رشد همسرش هم غافل نباشد؛ اگر انسان در فکر و اندیشه‌اش جائی را برای رشد و تکامل همسرش در نظر نگیرد زندگی به شکست می‌انجامد (شرفی، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

۳-۲. توجه به غریزه جنسی همسر

قرآن در مورد خانواده می‌فرماید که خانواده از دو جنس مخالف یعنی از زن و مرد تشکیل می‌شود و راه طبیعی تکثیر نسل انسان همین است. برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و تعادل کانون خانواده اولین نکته تصدیق صریح و درک احساس جنبه جنسی همسر خویش است. غریزه جنسی مثل غذا خوردن و خوابیدن است و انسان همان‌گونه که گرسنه می‌شود به غذا نیاز دارد و همان‌گونه که می‌خواهد غریزه جنسی او نیز باید اشباع گردد؛ هم از طرف زن و هم از طرف مرد (نبی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

آدمی دارای غرایز و نیازهای متعدد و متفاوتی است که این نیازها ستون‌های شخصیت او را می‌سازند و ارضای به‌موقع و به‌اندازه آن‌ها در سلامت جسم و روان وی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای دارد. یکی از نیازها نیاز جنسی است؛ اساس خانواده که محور اصلی کلیه اجتماعات بشری محسوب می‌شود، بر غریزه جنسی مبتنی است. این غریزه خود کشش دلبذیری است که زن و مرد را به‌سوی ازدواج می‌کشاند و بقا و تداوم خانواده را تضمین می‌کند. در سایه ارضاء آن علاوه بر نیازهای جسمانی فرد از لحاظ اخلاقی فکری و روانی به آرامش می‌رسد. عشق و تمنایی که در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده است فعلیت می‌یابد و موجبات رشد و شکوفایی ابعاد دیگر آدمی فراهم می‌آید (حسینی‌زاده مهدوی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

۴-۲. آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

حق و وظیفه از هم جدا نیستند، یعنی هر کس حقی داشته باشد، در مقابل وظیفه‌ای نیز دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد اما وظیفه‌ای بر او نیست. بدیهی است که اعضای خانواده نیز نسبت به

هم حقوق و وظایفی دارند که بخشی از حقوق را ذکر می‌کنیم.

الف. حق والدین بر فرزندان

امام سجاده^(ع) در رساله حقوق خود، حق پدر و مادر بر فرزندان را این‌گونه بیان می‌فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده آن‌گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند؛ و از شیرۀ جانش تو را خورانده آن‌گونه که کسی دیگری را نخوراند؛ و به‌راستی، او با گوش و چشم و دست و پا و مو و پوست و تمام اندامش تو را نگه‌داری کرده و از این نگه‌داری، خشنود و شاد و پیوسته‌کار بوده است؛ و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمل کرده تا این که دست قهر (طبیعت) را از تو دور سازد؛ و تو را به دنیا آورده و آنگاه خشنود بوده که تو سیر باشی و او گرسنه باشد، تو پوشیده باشی و او برهنه ماند، تو را بنوشاند و خود تشنه ماند، تو را در سایه دارد و خود در آفتاب باشد، با تنگنایی خویش به تو نعمت بخشد، با شب‌بیداری تو را شیرینی خواب چشاند؛ و شکمش آوند وجود تو و دامنش پرورش تو و پستانش مشک نوشین تو و وجودش پرستار تو بوده است. گرم و سرد دنیا را برای تو و به خاطر تو به جان خریده پس به اندازه این همه (تلاش مادر) سپاسش دار و جز به یاری و توفیق خداوند، تو را یارای آن سپاس‌داری نباشد.

حق پدرت این است که بدانی به‌راستی او ریشه‌توست و تو شاخه‌ای و چون او نبود تو نیز نبود. پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد، پس آگاه باش که این نکویی در تو، ریشه در پدرت دارد پس خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۴۶۱).

از اینجاست که انسان درمی‌یابد چرا خداوند مسئله نیکی به پدر و مادر و شکر زحمات آن‌ها را مقدمه‌ای بر شکر خود شمرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهِ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف، ۱۵)؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند ... می‌گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را

که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خوشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان.

ب. حق فرزندان بر والدین

در این مورد نیز امام سجاده^(ع) در رساله حقوق فرمودند: حق فرزند تو این است که بدانی او از توسل و در پست و ناپسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله‌روی توسل و به‌درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به‌سوی پروردگارش و یاری‌رسانی او در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد. پس (اگر وظایف‌ات را به انجام رسانی) پاداش‌گیری و (چون کم‌کاری کنی) بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چنان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای نزد پروردگار، عذرت پذیرفته باشد (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۴۶۱).

برای فرد بی‌قرار و بی‌تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می‌ماند و هم آسیب‌های ناشی از بی‌تابی‌ها و لذا اگر بی‌تابی بر کسی چیره شود روی آسایش را نخواهد دید. پیامبر^(ص) در این باره می‌فرماید: «مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضَّجَرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۷۵)؛ کسی که بی‌تابی و تنیدگی بر او چیره شود، آسودگی از او رخت بر بندد.

ج. وظیفه هر یک از زن و مرد نسبت به کل خانواده

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶).

دستور امر به معروف و نهی از منکر یک دستور عام است که همه مسلمین نسبت به یکدیگر دارند ولی از این آیه و نیز روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به‌خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آن‌ها بکوشد، آن‌ها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه این که تنها

به تغذیه جسم آن‌ها اکتفا کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۹۳).
 امام علی^(ع) در این مورد فرمودند: «علموا انفسکم و اهلیکم الخیر و ادبوه»
 (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰)؛ خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آن‌ها را
 ادب کنید.

پیامبر گرامی اسلام^(ص) نیز فرمودند: «بدانید همه شما نگهبانید و همه در برابر
 کسانی که مأمور نگهبانی از آن‌ها هستید، مسئولید ... مرد، نگهبان خانواده خویش
 است و در مقابل آن‌ها مسئول، زن نیز نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در
 برابر آن‌ها مسئول است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۴). در آیه دیگری از قرآن
 می‌خوانیم خطاب خدا به پیامبرش را که: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (طه، ۱۳۲)؛ خانواده
 خود را به نماز فرمان ده.

د. حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر

طبق آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره، ۲۲۸)؛
 همان‌طور که مرد بر زن حقوقی دارد، زن نیز بر مرد حقوقی خواهد داشت؛ یعنی
 طرفین نباید از حقوق خود سوءاستفاده کنند، بلکه بایستی حق یکدیگر را به‌صورت
 شایسته ادا کنند؛ چنان‌که در آیه از لفظ «بالمعروف» استفاده شده است (مکارم
 شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۳).

امام سجاد^(ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حق
 همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و هم‌نشینی تو قرار داده
 است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرامی بدار و با او با رفق
 و مدارا برخورد نما و هرچند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است
 که با او مهربانی کنی» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۴۵۹). علاوه بر همدلی و همراهی،
 تقدس حق شوهر بر زن چنان والا است که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله
 قرار گرفته، چنان‌که امیر مؤمنان^(ع) می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل» (الحویزی،
 ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۲۲)؛ جهاد زن، نیکوهمسرداری کردن است.

مهر و محبت اعضای خانواده به همدیگر سبب جلب رضایت و رحمت خدا

می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است.

۵-۲. روابط مبتنی بر تفاهم

میان اعضای خانواده روابط سالم و تفاهم‌آمیز وجود دارد و آنان با یکدیگر در تعامل هستند (به‌پژو، ۱۳۹۰، ص ۸).

تمام ارتباطات درونی این خانواده بر اساس برابری و مساوات شکل می‌گیرد؛ حتی والدین نیز از این قاعده جدا نیستند؛ آزادی درون خانواده موجبات گسترش حس همیاری و همفکری اعضای خانواده را تأمین می‌کند (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۳۴).

مهم‌ترین عاملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست.

مولی علی فرمودند: «ولا ظهیر کالمشاوره» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴، ص ۴۷۸). هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست. در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی، آن‌هایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن، در زندگی امام علی^(ع) و حضرت زهرا^(س) به چشم می‌خورد؛ اما خانواده‌هایی که اعضای آن در امور خیر و معنوی، همکار و همفکر نیستند چنین نیستند که در ذیل به سه نمونه اشاره می‌گردد:

- الف. خانواده‌ای که مرد، خوب اما زن بد است، مثل لوط^(ع) و نوح^(ع) و همسرانشان.
- ب. خانواده‌ای که زن، خوب اما مرد بد است، مثل آسیه و فرعون.
- ج. خانواده‌ای که در خبایث همفکر و همکارند نه امور خیر، مثل ابو لهب و همسرش (قرائتی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰).

۶-۲. برخورداری از روحیه عفو و گذشت

خداوند کریم در قرآن می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور، ۲۲).

باید مؤمنان عفو و صفح پیشه کنند و از بدی‌ها درگذرند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم در حق شما مغفرت (و احسان) فرماید؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

یکی از صفاتی که موجب تحکیم کانون خانواده می‌شود گذشت از خطای اعضای خانواده است. این صفت ارزنده در سیره ائمه معصوم و انبیای الهی جلوه تام دارد. اگر انسان در محیط خانواده یا جامعه از اشتباهات دیگران بگذرد صفا و صمیمیت در پی خواهد داشت؛ مهم‌تر اینکه این امر باعث می‌شود پروردگار عالم در روز قیامت از بدی‌ها و خطاهای انسان چشم‌پوشد و او را ببخشد.

وجود عفو و گذشت یقیناً کانون خانواده را با حرارت نگه می‌دارد و موجب بخشش گناهان می‌شود (مظاهری، ۱۳۷۰، ص ۴۰).

۲-۷. رعایت اخلاق نیکو و رعایت ادب و احترام متقابل در خانواده

حسن خلق در خانواده باعث گرم‌تر شدن کانون خانواده، نزدیک شدن زن و شوهر و موجب افزایش محبت بین اعضای خانواده می‌شود. کانون خانواده بهترین مکان برای خوش‌رفتاری و بروز حسن خلق است و گرنه در خارج از منزل به علت شئون اجتماعی هرکسی مجبور است رفتاری اخلاقی داشته باشد (میرباقری، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

حسن خلق در زندگی فواید بسیار زیادی دارد:

الف. شیرین‌تر شدن زندگی: حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «بحسن الخلق یطیب العیش» (کراجکی، ۱۳۵۳، ص ۷۲).

ب. افزایش محبت: حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «ثَلَاثٌ يُوْجِبْنَ الْمَحَبَّةَ: حُسْنُ الْخُلُقِ، وَ حُسْنُ الرَّفْقِ، وَ التَّوَاضُّعُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲)؛ سه چیز باعث ایجاد محبت می‌شود: حسن خلق، حسن رفتار و تواضع. پیغمبر اکرم می‌فرمایند: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَثْبُتُ الْمَوَدَّةَ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۷۰)؛ خوش‌اخلاقی دوستی را استوار می‌کند.

ج. افزایش روزی: امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «حسن الخلق یزید فی الرزق»

(بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۷۶۶).

د. نشانه کمال ایمان: حضرت رسول اکرم می‌فرمایند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا- وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِيهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي» (امام هشتم^(ع)، ۱۴۰۶، ص ۶۷)؛ بهترین مردم کسی است که نسبت به خانواده‌اش خوش اخلاق‌تر باشد. دارا بودن اخلاق خوش یکی از اصول بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در حیات انسان‌ها است. خوش اخلاقی در محیط زندگی، نه تنها انسان را از انواع نگرانی‌ها و تشنجات عصبی مصون می‌دارد، بلکه عامل بسیار مؤثری برای پیروزی بر مشکلات و دشواری‌هایی است که برای انسان پیش می‌آید. حضرت علی^(ع) می‌فرمایند: «لَا عِيشَ أَلَذَّ مِنْ حَسَنِ الْخُلُقِ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۷۲)؛ لذتی خوشگوارتر از خوش خلقی نیست.

حفظ حرمت و شخصیت دیگران، درگرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که باهم انس و الفتی دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. درواقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که یکی از مؤثرترین عوامل فروپاشی خانواده‌ها، سوء خلق همسران است. برخی از مفسران مقصود از آیه: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» (الرحمن، ۷۰) را که در توصیف همسران بهشتی است، زنان خیر، نیک‌منش، زیبارو و زیباسیرت دانسته‌اند. بر این اساس مقصود از «حسان» تنها زیبایی چهره و اندام نیست، بلکه زیبایی سیرت نیز است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۴۷)، که بالطبع خوش خلقی از برترین مصادیق آن است.

۲-۸. پرهیز از افراط و تفریط در عبادات

کودکان و نوجوانان دارای توانایی‌های محدود بوده و قادر به انجام کارهای سنگین و مشقت آور نیستند. توقعات بی جا از فرزندان علاوه بر اینکه در وجود آنان عقده روانی ایجاد می‌کند خدای ناخواسته موجب می‌شود که راه‌ها و حیل‌هایی را برای

فرار پیدا کنند و به‌دروغ متوسل شوند در خانواده‌های متعادل و بالنده والدین در پرورش مذهبی فرزندان از افراط و تفریط پرهیز می‌کنند و هیچ‌گاه آنان را به عبادت زیاد مجبور نمی‌سازند.

دختر امام خمینی در مصاحبه‌ای نقل می‌کند که: زمانی هم‌سر من از روی عادت خانوادگی صبح‌ها دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کرد که نماز بخواند امام که در جریان این امر قرار گرفتند برای ایشان پیغام فرستادند که شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ مکن (نساجی، ۱۳۹۲، ص ۴۸).

۹-۲. هدیه دادن

در روان‌شناسی بحثی است بنام «کوچک‌های بزرگ» یعنی ای چه‌بسا انسان مسئله‌ای را کوچک می‌شمرد درحالی‌که از نظر معنا و واقعیت بسیار بزرگ است. محیط خانه نیز کوچک‌های بزرگی دارد که یکی از آن‌ها هدیه دادن است (اکبری، ۱۳۷۸، ص ۶۵). یکی از سنت‌های اسلامی هدیه دادن است؛ هدیه موجب خوشحالی و صفا و صمیمیت می‌شود. هدیه دادن دل‌ها را به هم نزدیک و امیدوار و شادمان می‌کند و کینه و نفرت را از بین می‌برد (قاضی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸).

پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ دَخَلَ الشُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۱۸)؛ هر کس به بازار رود و هدیه‌ای برای خانواده‌اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می‌برد. پیغمبر اکرم درجایی دیگر می‌فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۴۷۱)؛ هدیه دهید تا بینتان محبت برقرار شود همانا هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد.

احترام به شخصیت افراد عشق و محبت را در وجود آنان زنده می‌کند؛ هدیه دادن نیز احترام به طرف مقابل است و کسی که هدیه را می‌گیرد بی‌اختیار و از روی فطرت خدادادی خویش مهر و محبت هدیه‌دهنده را در دل خود جای می‌دهد. این نکته در روابط زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد و عامل مهمی در ایجاد انس و الفت و هم‌گرایی زن و مرد است (روحی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

انسان همواره به شناخت آنچه در طول زندگی با آن در ارتباط است نیاز دارد، از جمله مهم‌ترین آن‌ها خانواده است که نحوه تشکیل و بقاء آن نقش مهمی در سعادت‌مندی افراد، جوامع و ملت‌ها دارد و لذا باید در تحکیم بنیان‌های خانوادگی بسیار کوشا بود. دین اسلام در این عرصه نیز همچون سایر ابعاد و عرصه‌ها آموزه‌های متعالی و حیات‌بخشی را ارائه می‌نماید و لذا بر عواملی چون وجود ایمان و تقوا، عفو و گذشت، اعتماد متقابل، صبر و شکیبایی، هدیه دادن، اخلاق نیکو، شناخت حقوق و وظایف و ... در اعضای خانواده پرداخته است.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۲)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: آل علی.
 ۲. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه، تبریز: نشر بنی هاشمی.
 ۳. اکبری، محمود، (۱۳۷۸)، صمیمانه با عروس و داماد، قم: نورالزهراء، چاپ دوازدهم.
 ۴. امام هشتم^(ع)، علی بن موسی، (۱۴۰۶)، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا^(ع).
 ۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله ابن نورالله، (۱۴۱۳)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدی.
 ۶. به‌پژو، احمد، (۱۳۹۰)، مقایسه ویژگی‌های خانواده سالم و ناسالم، نشریه پیوند، شماره ۳۸۸.
 ۷. بهجت پور، عبدالکریم، و دیگران، (۱۳۸۴)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: معارف.
 ۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
 ۹. حسینی، اکرم، (۱۳۸۳)، تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی، مجله کتاب زنان، شماره ۲۶.
 ۱۰. حسینی‌زاده مهدوی، معصومه، (۱۳۸۵)، نگاه ویژه: استحکام روابط در خانواده‌های سالم و متعادل، نشریه مشاور مدرسه، شماره ۶.
 ۱۱. روحی، زهرا، (۱۳۹۰)، تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن، نشریه طهورا، شماره ۱۱.

۱۲. شرفی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، خانواده متعادل، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ چهارم.
۱۳. شرفی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، خصوصیات خانواده متعادل، نشریه تربیت، شماره ۷۷.
۱۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی، (۱۴۰۹)، منیة المريد، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: مکتبة الحیدریة، چاپ دوم.
۱۷. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵، چاپ چهارم.
۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی^(ع).
۱۹. قاضی، فاطمه، (۱۳۹۰)، ازدواج، قم: نشر شهاب‌الدین، چاپ چهارم.
۲۰. قرائتی، محسن، (۱۳۸۹)، چهارصد نکته از تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم.
۲۱. کراجکی، محمد بن علی، (۱۳۵۳)، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران: المکتبة المرتضویة، چاپ دوم.
۲۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم والمواعظ (للیشی)، قم: دارالحديث.
۲۳. مظاهری، حسین، (۱۳۷۰)، خانواده در اسلام، قم: انتشارات شفق، چاپ هفتم.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۵. میرباقری، سید محسن، (۱۳۸۷)، به رنگ آسمان، مشهد: انتشارات آستان قدس، چاپ دوم.
۲۶. نبی‌پور، علی، (۱۳۹۰)، رویکرد متعالی انسان به حقوق خانواده و نقش آن در تعادل و کارآمدی خانواده، نشریه طه‌ورا، شماره ۲۳.
۲۷. نجاتی، حسین، (۱۳۷۶)، روان‌شناسی زناشویی، تهران: انتشارات بیکران، چاپ دوم.
۲۸. نساجی، اسماعیل، (۱۳۹۲)، شاخص‌های خانواده متعادل در اسلام، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۲۶.
۲۹. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.